



در حدیث دیگران

رضا پایایی

مولانا یزوهی در ایران معمولاً به دو گونه تصحیح آثار منظوم و منثور مولانا و شرح آیات مثنوی معنوی جلوه کرده است درست است که تا به این جا این بخش از مولانا یزوهی ایرانیان، تمدن و ختای نسبتاً پر رونق و افرام آورده است اما از سوی دیگر پژوهش در باب آرا و اندیشه‌های او به انگیزه طرح پرسش‌های تازه و زود بین افسانه‌ها و اوام از زندگی او چندان پرزیرک و پلر نیست.

مولوی یزوهی و هان غریسی از این حیث گویا توفیق بیشتری داشته‌اند نیکلسون، چیتیک و شیمیل گواهان صادق این ادعا هستند فرانکلین دین لویسی نیز با مولانا؛ دیروز تا امروز، شرق تا غرب، تا زلفی این عرصه در میان همسایگان غربی ماست. ترجمه این کتاب از سوی دکتر حسن لاهوتی، بی تردید نشان دهنده اعتبار و قوت علمی این کتاب است.

گرم غرب سرزند خورشید سر عین خورشید است، بی چیز دیگر

مولوی یزوهی، در روز گلر ما دانش و انگیزه‌های متفاوتی یافته است. آنچه اکنون بیش از همه مایه شگفتی و حیرت هم‌زمان او است توجه به آثار و افکار مولانا در گوشه و کنار جهان است. آن‌گاه که ریچارد آلن نیکلسون (Nicholson Reynold Alleyne) ۱۸۶۸-۱۹۲۵ اولین نسخه معتبر و کوشش‌شده مثنوی را منتشر کرد، غرب نیز به یکی از کفون‌های مهم و بزرگ مولوی شناسی تبدیل شد. نیکلسون خود از تربیت‌یافتگان مدرسه لاهور در براون، مستشرق نامدار و ایران‌شناس سخت‌کوش است اما او بود که نفوس رومی را در غرب به صدا درآورد و اکنون افکار و اندیشه‌های مولانا تا مراکز تحقیقات روان‌پزشکی و روان‌ماتی غرب نیز نفوذ کرده است. غریبان، آشنای عمیق و گسترده خود را با مولانا از تصحیح مثنوی آغاز کردند. چنین آغازی، تکرار روش و منش آنان در تحقیقات علمی است و انصافاً آنکه جدی و پرتوان آغاز کردند چنان که محقق همچون فروز نفر قرار می‌دهند:

«تاسف‌ناکه ایرانیان در این خدمت (تصحیح و چاپ علمی مثنوی) پیشقدم نشده و حتی نسخه چاپ علامدوله که از اکثر نسخ چاپی بهتر است هم این وظیفه را انجام نداده است. فقید بزرگوار استاد نیکلسون، این خدمت عظیم را در مدت طولانی به انجام رسانید و سه خطای را مرتب ساخت که بی شبهه بهترین نسخه کامل و صحیح و قابل اعتمادی است که از مثنوی می‌توان به دست آورد.»

پس از او دهان دیگر از محققان و مترجمان زبردست غربی، مولوی را در کلون توجهات و علاقی علمی و گاه شخصی خود نهادند. ساخت حدود ۲۰۰۰ پایگاه اینترنتی، تألیف و تحقیقات فراوان دانش‌نگاهی و توجه ترانه‌سازان غربی به دیوان غزلیات شمس، نمونه‌ها و موهجایی از اقبال مغرب‌زمین‌ها به این دلتای شرقی است.

در باره این گونه فعالیت‌های استسراقی، همیشه سوسن‌های درست و نادرستی وجود داشته است که جای تأمل بسیار دارد. از نکته‌سنجی‌هایی که در این باره شده است، یکی آن است که آیا کسی با مایه‌ها و پایه‌های غیر خودی، قادر به درک و کشف ذخایر معنوی ما هست. آیا تحقیقات و نوشته‌های کسانی مانند مرحوم فروز نفر، شاعران همایی، ترجمان زین کوب و دکتر سروش، ما را از تألیفات

مولانا، دیروز تا امروز، شرق تا غرب
فرانکلین دین لویسی
مترجم: حسن لاهوتی
تاسف
۱۳۸۴

ناهم‌زمان و ناموفق‌ترنگان ما بی‌نیاز نمی‌کنند؟ پاسخ را باید در متن تحقیقات و یافته‌های آنان جست‌نم در ذهنیت‌هایی که از کارکردهای غیر علمی غربین ساخته یا پرداخته شده است. اثر دکتر لویسی (مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب) آشکارا انسان می‌دهد که دیگران نیز می‌توانند شایسته گویی‌های بسیاری در زمینه‌های تخصصی فرهنگ شرقی داشته باشند. به‌ویژه آنکه زاویه دید و تأملات آنان، برای ما گاه بسیار بدیع و نامکتشف است. همچنان که ابو علی سینای فیلسوفه در غرب تبدیل به طیب می‌شود، مولانا، متشروع و نوادش نیز در دیار چشمایی‌ها شاعر شوریده و ترانه‌سرای نغمه‌گویی می‌شود که ما از برخی جنبش‌های آن بی‌خبر بودیم. ترانه‌سرای شوریدگی مولوی در اندیشه و گفتار، به اندازه طیب بودن این سینا واقعیت دارد اما آن‌گاه که این وجوه غریب را از زبان دیگران می‌شنویم، گویی بردهای دیگر از جلو چشممان می‌افتند. آری به همین دلیل نبود که مولوی خود می‌گفت:

خوشر آن باشد که سز دیگران
گفته‌اید در حدیث دیگران

به‌ر روی دین عرفان شرقی از چشم غربی‌ها لطف و حسنی دیگر دارد که افکار نباید کرد.

مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب (Ruomi past and present east and west) ۱۳۸۲ طبع ترجمه به فارسی را چشیده بود. جناب حسن لاهوتی، دومین مترجم اثر حاضر نیز پیشتر توفیق ترجمه‌های گرانگیزی را از نویسندگان غربی در زمینه عرفان و تصوف داشته است. همان چلی، نوشته نیکلسون، «شکوه شمس»، نوشته آنه ماری شیمیل و شرح نیکلسون بر مثنوی معنوی، شماری از ترجمه‌های او است. اثر اخیر (شرح نیکلسون بر مثنوی معنوی) در سال ۱۳۷۴ جایزه کتاب سال را نیز دریافت کرده است.

در این گزارش کوتاه جز چند نکته‌یگر را مجال گفتن نداشتیم. بر این گفتم که هر باره، روایت‌های کتاب حاضر و شیوه بحث‌ها بر این نویسنده آن سخن‌های بسیاری می‌توان گفت که در نوش و توان این مختصر نیست.

از شیوه و نوع اطلاعاتی که نویسنده آمریکایی به خواننده خود می‌دهد می‌توان در بابت که روی سخن او بیشتر به سوی هموطنان خویش است. در دیباچهای که برای ترجمه فارسی کتاب نوشته است، دو هدف را برای تألیف کتاب نام می‌برد: نخست معرفی چهره حقیقی و نزدیک به واقعیت مولانا برای کسانی که دور از کشور و فرهنگ او زیسته‌اند؛ تحقیق روشمند در زندگی و اندیشه‌های مولوی و خرافات‌هایی از سوانح حیات این شاعر محبوب.

آن‌گونه که مؤلف کتاب می‌گوید، در چند دهه اخیر سه گفتمان عمده گردش‌شخص و شخصیت‌مولوی در غرب پدید آمده است:

۱. گفتمان پژوهشی و فلسفی؛
۲. گفتمان عرفانی و صوفی‌پسند؛
۳. گفتمان تجاری و مردم‌پسند.

در توضیح این گفتمان‌های مولوی، و تصریح به هدف خود از این تألیفی نویسد:

«جانوشن این کتاب خواستیم این سه گفتمان را با هم پیوند بدهیم. شهرت و محبوبیت روزافزون مولانا در دهه ۱۹۹۰، فلسفه کتاب‌فروشی‌ها را از ترجمه اشعار مولانا که اکثر به دست افرادی که فارسی بلد نیستند، انجام شده است، منقعه و شرح بر اندیشه‌های او نوار، ویدئو و حتی کلیت‌های تیریک و غیره سرریز کرده بود. اگر چه این پدیده مولانا را به عموم معرفی کرده است، چنین آثاری نزدیک بود که او را به یک ستاره جهان موسیقی تجارنی یا جهان ورزش تبدیل کند. سرانجام این سبیل تهدید می‌کرد که دانش عمیقی را که از مطالعه و تحقیق در متون فارسی درباره اندیشه‌های او فراهم آمده بود، با خود ببرد و عرق کند.»

دین لویسی که موضوع حکیم سنایی و شکل‌گیری غزل فارسی را برای رساله خود برگزیده و به سامان رسانده است، در پایان دیباچه ترجمه فارسی، فروتنانه خود و اثرش را اولاد ترجمه لاهوتی را اثر حاضر می‌شمارد زیرا «مباحث رفیع برخی اشتیافات چاپی و تجدید نظر فر مورد بعضی خوش‌ها و یا جزئیات متن انگلیسی کتاب شده است.» این اعتراف عالمانه نشان از حقیقت‌جویی و منشی علمی مؤلف دارد که موگندانه در نوشته‌ها و نقلیفات ایرانیان بسیار آند که است.

پیش از نخستین فصل کتاب مقدمه ستایش‌آمیز جولی اسکات میثی، استاد دانشگاه آکسفورد می‌آید که قضاوتی دقیق و منصفانه

از کتاب لویسی و حاصل کار او است. به گمان وی، نویسنده موفق شده است که افسانه‌های واهی، تفسیرهای اشتباه و تصویب‌های نادرست را از صورت درست آنها جدا سازد و بی‌پایه بودن آنها را نشان دهد و بالاخص مولانای شاعر را به بیانی شایسته معرفی کند (همان، ص ۲۲). کتاب با گزارش‌های از جنب مولانا در آمریکا شروع می‌شود. بند نخست این فصل، حاوی گزارش کوتاهی است که به خوبی از عهده نمایش حجم مولوی‌بازی در آمریکا می‌آید:

«جمله کریستین ساینس مانیور (۴ اذر ۱۳۷۶) اشعار مولانا در ایالات متحده آمریکا پر فروش‌ترین کتاب بوده است.»

گزارش‌ها و اخبار فراوان دیگر این فصل، خواننده را متقاعد می‌کند که مولوی در غرب به یک پدیده شگفت‌تبدیل شده است. بدین رو مؤلفه باطنی‌ها و باطنی‌ها به اهمیت آن‌ها در خود را در فریای از منابع اسلامی و تاریخی غرق می‌کند. تا زندگی‌نامه صحیح و محققانه‌ای از موسوی و همه نزدیکان وی ارائه دهد. در این مسیر گذار مؤلف به سلسله‌های مولوی به تیز می‌آید و همچون ساق‌المکی خود (خاتم شیمیل) توجه خاصی به این بخش از میراث مولوی می‌کند.

هر مولانا در جهان اسلام، یازدهمین فصل کتاب است که با دو بیت از چلی آغاز می‌گردد:

مثنوی معنوی مولوی
هست قرآنی به لفظ پهلوی

من نمی‌گویم که آن عالی‌جناب
هست پیشمیر، ولی دارد کتاب

در این فصل مؤلف می‌کوشد، دعای اسلاف غربی، خود را آشکارتر و مستدل‌تر کند. می‌دینم که کسانی مانند آرسری (Arberry) و شیمیل مولوی را تأثیرگذارترین عارف اسلامی بر همه قرون پس از خود می‌دند. شیمیل معتقد بود که از قرن هشتم به بعد نمی‌توان حتی یک اثر عرفانی یافت که اثری از مولوی نپذیرفته باشد. لویسی، اگر چه چنین سخنانی را سنگین و گران می‌شمارد، اما بر این نظر است که همین که بتوان چنین سخنی را، حتی به‌غرض بر زبان آورد، گواه آن است که اندیشه‌های مولانا جلال‌الدین نفوذ فلسفه‌های و شگفتی در سراسر فرهنگ اسلامی، خاصه در ترکیه، ایران و شبه‌قاره هند داشته است. (ص ۱۸۷) نویسنده در همین بخش، از تأثیر خلافت‌های اندی و وزلی مولانا نیز غافل نشده است. و به‌ویژه در موضوع اقیال لاهوری به خوبی این موضوع را بر می‌رسد.

آن‌گاه که مؤلف از نشان دادن جایگاه مولوی در میان هم‌کیشان و هم‌ملکش فارغ می‌شود، آغاز آشنایی غربیان با مولانا سخن می‌گوید. و اینکه چشمتین مولوی پیش از نور غریبان تأثیر گذاشته بحث درباره مولانا و الهمون غرب در قرن نوزدهم، گذار نویسنده را به افکار اپیکوری و مطالعات تطبیقی ادیان و مولویان روزگار مسامی‌انگارد. از آن پس است که وارد یکی از دقیق‌ترین فصول کتاب خود می‌شود که موضوع و عنوان آن «تاریخ مولانا یزوهی» است. برای آگاهی از کم و کیف این فصل در بخش کتاب کفای است. به برخی موضوعات فرعی آن نگاهی بیندازیم:

نسخه‌های چاپی و مولانا یزوهی، پژوهش درباره فلسفه مولانا، مولانا در تحقیقات المانی‌زبان‌ها، مولانا در تحقیقات فرانسوی‌زبان‌ها، ملای روم در زمان، در ترکیه مولانا یزوهی در زبان عربی، مولانا یزوهی در زبان فارسی، تکرار دینی مولوی، پژوهش در سخنوری مولانا گفتنی است. هر بخش مولانا یزوهی در زبان فارسی، از چند محقق ایرانی نام می‌برد و گزارش کوتاه و نسبتاً دقیقی از کارنامه مولوی یزوهی آنان به دست می‌دهد. بدیع‌الزمان فروز نفر، عبدالرحمن زین کوب، محمد علی موحد و محمد استعلامی، درباره دکتر عبدالکریم سروش و کارنامه او در این عرصه در صفحه ۲۲۲ سخن می‌گویند.

از دیگر موضوعات جالب کتاب برای خواننده ایرانی، اطلاعات پایانی کتاب است. در فصل مولانا در صفحه چندین رساله به کاربردهای متنوع آثار مولوی در غرب اشاره می‌کند که بسیار خواندنی است. مانند: مولانا مایه ترانه‌ها، غزل‌هایش در غرب ترانه ساختند.

مولانا در نمایش‌نامه رقص و اپرای امروز

موسیقی مولویان

سوار اشعار انگلیسی مولانا

مولانا در تلو و ویدئو

مولانا در اینترنت

مولوی و مولویان در تابلوهای نقاشی

بی‌گمان کتاب «مولانا دیروز تا امروز، شرق تا غرب»، اثر فرانکلین دین لویسی، استاد زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه اموری (Amory) در شهر اتلانتای ایالت جورجیا، آمریکا، یکی از بهترین و محققانه‌ترین آثاری است که تا کنون درباره مولوی در غرب منتشر شده است. استاز مهم این اثر بر آثار مشابه خود در میان خاورشناسان، برخورداری از تجزیات پیش‌بینیان و افزودن مطالعات میدانی بر تأملات کتابخانه‌ای است.

